



نگاهی به اندیشه و آرای سیاسی آیت الله العظمی میلانی
در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین حمیدرضا کامل نواب

بازتعریف سیاست بر بستر فقاها

در این چارچوب، مسائل بنیادینی همچون قلمرو دین، تعریف سیاست دینی، نسبت سیاست و اخلاق، جایگاه فقیه در عصر غیبت و مبنای پذیرش ولایت عامه فقیه، به صورت منظم و مستدل مورد بررسی قرار می گیرد. از سوی دیگر، این گفت و گو روایت رایج درباره «سکوت سیاسی» آیت الله العظمی میلانی را در سال های پایانی حیات بررسی می کند و با استناد به اسناد تاریخی، از جمله گزارش های ساواک، نشان می دهد که این کناره گیری بیش از آنکه ناشی از تغییر باور باشد، محصول فشارهای امنیتی و پروژه ای هدفمند برای به حاشیه راندن یک مرجع اثرگذار بوده است. بدین ترتیب، گفت و گو پیش رو نه تنها بازخوانی یک اندیشه فقهی است، بلکه تلاشی برای بازسازی نصفان بخشی از تاریخ فکری روحانیت شیعه در دوران معاصر و در نسبت با سیاست به شمار می آید؛ بازخوانی ای که می تواند مبنایی برای گفت و گوهایی عمیق تر و واقع بینانه تر در فقه سیاسی باشد.

■ شما اخیراً کتابی را درباره اندیشه سیاسی آیت الله العظمی میلانی تألیف کرده اید که هنوز منتشر نشده است. به عنوان شروع بحث، لطفاً درباره ساختار تحقیقی کتاب توضیحاتی ارائه

متون مستقیم فقهی و استفتائات آیت الله العظمی میلانی، تصویری مستند و دقیق را از اندیشه سیاسی ایشان ارائه می کند. حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا کامل نواب، مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر فقه سیاسی، در این گفت و گو بر اساس کتابی که به تازگی درباره اندیشه سیاسی آیت الله العظمی میلانی تألیف کرده و هنوز منتشر نشده است، به تشریح ساختار نظری، مبنای فقهی و مختصات فکری آن مرحوم می پردازد. اهمیت این مصاحبه از آن روست که دکتر کامل نواب، آگاهانه از تحلیل ذوقی سیره عملی پرهیز کرده و تمرکز اصلی خود را بر عبارات صریح، استدلال های فقهی و مواضع مکتوب آیت الله العظمی میلانی قرار داده. رویکردی که، اگرچه دشوار و زمان بر بوده است، اما به خواننده این امکان را می دهد که با کمترین واسطه تفسیری، با خود متن و اندیشه فقیه مواجه شود.

علیرضا رضایی | اندیشه سیاسی در تاریخ معاصر فقه شیعه، همواره عرصه ای پرچالش و در عین حال تعیین کننده بوده است؛ عرصه ای که در آن، نسبت دین و سیاست، قلمرو شریعت، نقش فقیه و حدود مداخله او در امر اجتماعی و حکمرانی، به گونه ای جدی محل گفت و گو و اختلاف نظر بوده است. در این میان، نام آیت الله العظمی سید محمدهادی میلانی، از جمله نام هایی است که علی رغم جایگاه علمی ممتاز و تأثیرگذاری عمیق فقهی، کمتر در قالب یک منظومه فکری منسجم و نظام مند در حوزه اندیشه سیاسی مورد بررسی مستقل قرار گرفته. این غفلت پژوهشی، زمینه ساز برخی برداشت های نادقیق، کلیشه ای یا حتی متناقض درباره نسبت ایشان با سیاست شده است. گفت و گو پیش رو، تلاشی است برای پر کردن بخشی از این خلأ علمی؛ تلاشی که با اتکا بر پژوهشی گسترده و مبتنی بر

در منظومه فکری آیت الله العظمی میلانی،
دین صرفاً متکفل سعادت اخروی نیست،
بلکه برای سامان بخشی به زندگی دنیوی انسان نیز
برنامه دارد. از نگاه ایشان، عمل به قرآن نه تنها انسان
را به رستگاری آخرت رهنمون می کند، بلکه بستر
رفاه، عدالت اجتماعی و پیشرفت تمدنی را فراهم
می سازد. همین تلقی گسترده از دین، سیاست
و تشکیل حکومت را به ضرورتی دینی
بدل می کند